

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیست و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمد رضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پور حسین

صفحه آرا:

صفر علی اخلاقی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد رضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markafeqhi.com

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

Analysis of Liability for Damages Caused by Textile Materials and Design and the Ruling on Their Trade from the Perspective of Jurisprudential Rules

*Ehsan Abedinpour*¹

Abstract

Wearable textiles, in terms of their material or external design, raise issues regarding liability for damages caused by them and the religious ruling on trade, business, and workers' wages from this source. This research aims to analyze these two aspects from the perspective of jurisprudential rules and seeks to answer the question of what are the liability for damages caused by textile materials and design and the ruling on their trade from the perspective of jurisprudential rules? By collecting data from fundamental and jurisprudential sources through library research, then analyzing the data through jurisprudential methods, the situational and obligatory rulings of the research subject are discovered. This article concludes that the aforementioned rules are of three types: one that establishes both situational and obligatory rulings, namely "no harm"; another that only examines situational rulings, namely "destruction", "cause and direct", and "causation"; and third, a rule that only establishes obligatory ruling, meaning the religious ruling on trade, business, and workers' wages from this source, namely the rule of "prohibition of helping in sin and oppression" which rules on prohibition when there is intent to harm the consumer. With the establishment of damage attribution to fabric material or clothing design and the cause being stronger than the direct agent, the manufacturer and clothing designer are liable, and with the intention of serious harm, trade, business, and receiving wages from this path is forbidden, unless there is no intention to harm and the activities of officials and workers do not inherently cause serious harm to others.

Keywords: Clothing Material, Clothing Design, Damage, Liability

1. Graduate and Head of Medical Law Working Group at the Jurisprudential Center of the Immaculate Imams

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیستم و دوم (پاییز و زمستان ۱۴۰۳)
تاریخ دریافت، ۱۴۰۳/۰۱/۱۲
تاریخ پذیرش، ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

واکاوی ضمان خسارات ناشی از جنس و طراحی منسوجات و حکم خرید و فروش آن از منظر قواعد فقهی

احسان عابدین پور^۱

چکیده

منسوجات پوشیدنی، به لحاظ جنس یا طرح ظاهری آن، از جهت ضمان خسارت‌های واردشده از آن و نیز حکم شرعی تجارت، کسب‌وکار و یا دریافت اجرت کارگران از این راه، مسئله‌ساز است. این تحقیق به دنبال آن است که این دو جهت را از منظر قواعد فقهی، مورد واکاوی قرار دهد و به دنبال پاسخ به این پرسش است که ضمان خسارات ناشی از جنس و طراحی منسوجات و حکم خرید و فروش آن، از منظر قواعد فقهی چیست؟ با جمع‌آوری داده‌ها از منابع اصولی و فقهی به روش کتابخانه‌ای، سپس با تحلیل داده‌ها به روش اجتهادی، احکام وضعی و تکلیفی موضوع تحقیق کشف می‌شود. مقاله پیش‌رو به این نتیجه رسید که قواعد پیش‌گفته سه دسته‌اند: یکی قاعده‌ای که هر دو حکم وضعی و تکلیفی را اثبات می‌کند یعنی «لاضرر»، دیگری قواعدی که فقط حکم وضعی را بررسی می‌کند یعنی «اتلاف»، «سبب و مباشر» و «تسبیب» و سوم قاعده‌ای که تنها حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب‌وکار و دریافت اجرت کارگران از این راه را اثبات می‌کند؛ یعنی قاعده «حرام بودن کمک به گناه و ظلم» که با قصد خسارت زدن به مصرف‌کننده، حکم به حرمت می‌کند، با ثابت شدن استناد ضرر به جنس پارچه یا طرح لباس و قوی‌تر بودن سبب از مباشر، تولیدکننده و طراح لباس ضامن‌اند و با قصد اضرار فاحش، تجارت، کسب‌وکار و دریافت اجرت از این راه حرام است؛ مگر اینکه قصد اضرار وجود نداشته باشد و فعالیت مسئولان و کارگران به‌خودی‌خود، موجب ضرر فاحش به دیگران نباشد.

واژگان کلیدی: جنس لباس، طرح لباس، خسارت، ضمان

فقه واجتهاد / واکاوی ضمان خسارات ناشی از جنس و طراحی منسوجات...

مقدمه

منسوجات پوشیدنی یا همان لباس‌ها از لحاظ جنس پارچه یا از لحاظ شکل ظاهری آن که عواملی چون مُد یا پیشنهاد برخی از نهادهای جهانی موجب دوخت لباس به آن شکل و صورت می‌شود، ممکن است از چند جنبه، مسئله‌ساز باشند. یکی ضمان و جبران خسارت‌هایی که آن جنس یا آن شکل از لباس به دنبال می‌آورد و دیگری حکم شرعی تجارت، کسب‌وکار و یا دریافت اجرت کارگران از این جنس پارچه یا این شکل از لباس.

این تحقیق به دنبال آن است که ضمان پیش‌گفته را از لحاظ قواعد فقهی، مورد واکاوی قرار دهد. به این صورت که قواعدی که احتمال روشن شدن حکم ضمان در موضوع پیش‌گفته در آن وجود دارد؛ مورد بررسی قرار گیرد تا اصل حکم ضمان در این مورد و نیز قواعدی که عهده‌دار دلالت بر این حکم است؛ مشخص شود. دیگر اینکه حکم شرعی تجارت، کسب‌وکار و یا دریافت اجرت کارگران از این جنس یا این شکل از قماش بررسی شود و ادله مربوط به آن و چگونگی دلالت آن، مشخص شود.

سؤال اصلی تحقیق: حکم شرعی پارچه و طرح لباسی که موجب بروز خسارت در بدن مصرف‌کننده می‌شود اعم از حکم وضعی یعنی ضمان و حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب‌وکار و اجرت کارگران از این راه چیست؟

سؤالات فرعی این تحقیق عبارت‌اند از: قاعده «لاضرر» چه جایگاهی در حکم شرعی مربوط به این تحقیق دارد؟ قاعده اتلاف چه جایگاهی در حکم شرعی پیش‌گفته دارد؟ قاعده سبب و مباشر چه جایگاهی در این حکم شرعی دارد؟ قاعده تسبیب چه جایگاهی در حکم پیش‌گفته دارد؟ قاعده حرام بودن کمک در گناه و ظلم چه جایگاهی در این حکم دارد؟ در نهایت، دیدگاه نگارنده در حکم پیش‌گفته چیست؟

پیشینه تحقیق: موردی که موضوع آن مطابق با تحقیق پیش‌رو باشد یافت نشد؛ ولی ریشه‌های آن را می‌توان در کتب فقهی، کتاب‌های مربوط به قواعد فقهی، کتب

اصولی و کتاب‌های روایی جستجو کرد؛ چنان‌که نگارنده نیز برای این تحقیق به همین کتاب‌ها مراجعه کرده است. از جمله تحقیقات نزدیک به موضوع این تحقیق می‌توان به برخی مقالات که در زمینه مسئولیت مدنی نگاشته شده است؛ اشاره کرد. از جمله:

۱. مجید دهقان چناری، سیدمحمدهادی مهدوی و داوود نصیران، «ارکان مسئولیت مدنی خسارت وارد بر محیط‌زیست ناشی از محصولات بیوتکنولوژی»، حقوق پزشکی، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم در سال ۱۴۰۰ش (دهقان چناری، ۱۴۰۰ش، ص ۱).

این مقاله هرچند به منسوجات، جنس و طرح آن و حکم خرید و فروش آن اشاره‌ای ندارد، ولی خسارت حاصل از محصولات بیوتکنولوژی در آن مورد توجه است و مسئولیت مدنی آن را مورد بررسی قرار داده که با بحث ضمان خسارت حاصل از جنس و طرح منسوجات در این مقاله مرتبط است. این مقاله در مورد مسئولیت مدنی پیش‌گفته تنها به بررسی حقوق خصوصی و عمومی داخلی و خارجی مثل: قانون ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۸ش، اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون تنوع زیستی، پروتکل ناگویا- کوالامپور، دستورالعمل ۲۰۰۴م اتحادیه اروپا و همچنین برخی قوانین خارجی از جمله قوانین خاص کشورهای فرانسه، آلمان، سوئیس و نروژ می‌پردازد، بدون اینکه بررسی دیدگاه‌های فقهی در مسئولیت مربوط به خسارات حاصل از این‌گونه محصولات مورد توجه قرار گیرد. تحقیق پیش‌روی، برخلاف مقاله پیش‌گفته به بررسی قواعد فقهی برای به‌دست‌آوردن حکم در مسئولیت مربوط به خسارات حاصل از جنس و طراحی منسوجات و حکم خرید و فروش آن پرداخته است.

۲. حمید رحمانی‌منشادی، «مطالعه تطبیقی نظام مسئولیت محض در جبران خسارات ناشی از بیوتکنولوژی کشاورزی»، مجله حقوق پزشکی، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم در سال ۱۴۰۰ش (رحمانی‌منشادی، ۱۴۰۰ش، ص ۱).

این مقاله، بررسی قانون ایمنی زیستی را مطمح نظر قرار داده و این مطلب را

حق در مبانی مسئولیت مدنی وجود دارد، ولی در تصویب نهایی این قانون، تنها قواعد عام مسئولیت مدنی و نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر در جبران خسارت ناشی از محصولات تراریخته، مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله هرچند تنها به جبران در خسارات حاصل از بیوتکنولوژی کشاورزی می‌پردازد و هیچ نگاهی به منسوجات ندارد؛ ولی از این جهت که در پی پیدا کردن حکم خسارات حاصل از مورد پیش‌گفته است، با تحقیق ما، مشترک است.

۳. محمدی، حمیدرضا؛ اسلامی، داوود، (۱۴۰۰ش، خرداد)، محصولات تراریخته، مسئولیت مدنی و ملاحظات در خصوص آن، نشست علمی همایش ملی معاونت پژوهشی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

این مقاله با توجه به عبارت «مسئولیت مدنی» که در عنوان آن، آمده است؛ با موضوع تحقیق ما در جستجوی جبران خسارت، اشتراک دارد. بحث فقهی در این مقاله، بسیار، بسیار ضعیف است به طوری که تنها در کمتر از یک صفحه و تنها مسئله «تغییر خلق‌الله» که در آیه ۱۱۹، سوره نساء آمده است، بسیار مختصر مطرح و رد شده است؛ بدون اینکه به سایر قواعد فقهی و دیدگاه‌های فقها در این زمینه اشاره‌ای شود. در تحقیق پیش‌رو تمام همت نویسنده معطوف به بررسی قواعد فقهی در واکاوی ضمان خسارات ناشی از جنس و طراحی منسوجات و حکم خرید و فروش آن است.

چنان‌که گذشت، تحقیقات پیش‌گفته یا صرفاً جنبه حقوقی دارد یا اینکه از لحاظ فقهی، بسیار ضعیف است؛ در حالی که تحقیق حاضر با نگاه فقهی به مسئله خسارات حاصل از جنس پارچه و طرح لباس از نگاه حکم وضعی یعنی ضمان و حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب‌وکار و اجرت کارگران از این راه پرداخته است.

در حکم شرعی مربوط به جنس پارچه یا طرح لباسی که موجب ضرر است باید قائل به تفصیل شویم؛ یعنی در برخی موارد، حکم به ضمان یا حرمت باید کرد و در برخی از موارد نیز ضمان و یا حرمتی در کار نیست.

در راستای پاسخ به سؤال این تحقیق، نخست قواعد فقهی مرتبط با حکم وضعی

و تکلیفی موضوع تحقیق، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و پس از آن جایگاه هریک از قواعد در اثبات حکم وضعی یعنی ضمان خسارت و حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه، تحقیق خواهد شد و معلوم می‌شود که قواعد پیش گفته سه دسته است؛ یکی قاعده‌ای که هر دو حکم وضعی و تکلیفی را اثبات می‌کند یعنی «لاضرر»، دیگری قواعدی که فقط حکم وضعی را بررسی می‌کند یعنی «اتلاف»، «سبب و مباشر» و «تسبیب» و در آخر قاعده‌ای که تنها حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه را اثبات می‌کند؛ یعنی قاعده «حرام بودن کمک به گناه و ظلم» که با قصد خسارت زدن به مصرف‌کننده، حکم به حرمت می‌کند، با ثابت شدن استناد ضرر به جنس پارچه یا طرح لباس و قوی‌تر بودن سبب از مباشر، تولیدکننده و طراح لباس ضامن‌اند و با قصد اضرار فاحش، تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت از این راه حرام است مگر اینکه قصد اضرار وجود نداشته باشد و فعالیت مسئولان و کارگران به خودی خود موجب ضرر فاحش به دیگران نباشد.

۱. مفهوم‌شناسی

قواعد فقهی

عبارت «قواعد فقهی» از دو بخش، «قواعد» و «فقهی»، تشکیل شده است که «قواعد» جمع «قاعده» است که در لغت به معنی «بنیان خانه» (فراهیدی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۳؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۵؛ احمدبن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۰۸) است، ترکیب پیش گفته در اصطلاح به معنی احکام عامی است که به مسئله‌های فقهی زیادی مربوط است (مکارم، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶) و از تطبیق آن بر موارد مختلف احکام شرعی خاصی به دست می‌آید که مصداق‌های همان حکم عام محسوب می‌شود و از جنس همان حکم عام است، مثل قاعده طهارت که از تطبیق آن بر لباسی که نجاستش مشکوک است، حکم طهارت آن لباس به دست می‌آید (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳).
برخلاف قاعده اصولی که هرچند دارای حکمی عام است؛ ولی تطبیق آن به صورت قرارگرفتن در استنباط است (همان، ص ۹) و احکامی که از این تطبیق به

دست می‌آید؛ از نظر ماهیت با حکم عام موجود در قاعده اصولی مغایرت دارد؛ مثل قاعده حجت بودن خبر ثقه (راوی قابل اعتماد) که از تطبیق آن بر خبر شخص مورداعتمادی که از حرام بودن آب انگور پس از جوشیدن خبر داده است، حکم حرمت پیش‌گفته به دست می‌آید که این حرمت، مصداق حجت بودن خبر ثقه نیست؛ بلکه با آن مغایر است (همان، ص ۱۳).

ضرر

واژه «ضرر» در لغت به معنی نقصان وارد به چیزی (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۷)، خلاف نفع (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۱۹) و ضد آن (واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۲۲) است. مقصود از نقصان نیز بازماندن از هر چیزی است که شایسته است دارای آن باشد اعم از مقدار، کیفیت، یا حقی از حقوق (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۳). برخی از فقها (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۵۶) اخبار «لاضرر» را مختص به ضررهایی می‌دانند که عرفاً تحمّل‌پذیر نیست و عقلاً اقدام به آن را قبیح می‌دانند. این گونه از ضرر، در کلام فقها با عنوان «ضرر فاحش» یاد می‌شود (عابدین پور، قاسمی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۵۴).

ضمان

واژه «ضمان» از ماده (ضم ن) به معنی قراردادن چیزی، درون چیز دیگری است که آن را در برمی‌گیرد (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۷۲) و خلیل بن احمد فراهیدی نیز این ماده را برای دربرگرفتن چیزی به کار برده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۵۰). به نظر می‌رسد که این واژه، معنی اصطلاحی جدیدی در شرع و فقه ندارد و آنچه به عنوان معنی اصطلاحی برای این واژه بیان می‌شود (محمود عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۴) در واقع بیان حقیقت لغوی آن است (مشکینی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۵۰)، چنان‌که می‌بینیم معنی اصطلاحی‌ای که برخی برای این واژه بیان کرده‌اند (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۲۴) همان است که در برخی کتب لغت برای بیان معنی لغوی آمده است (فیومی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۶۴) یعنی التزام به پرداخت و ادا.

ضمان، منحصر به خسارت مادی نیست؛ چراکه قاعده اتلاف به عنوان یکی از قواعد فقهی که بر ضمان دلالت می‌کند، علاوه بر امور مستقل، یعنی اجسامی که

برای رفع نیازهای ما به کار می‌رود، امور غیرمستقل را نیز شامل می‌شود؛ مانند منافع مختلف، (بجنوردی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۹)، در نتیجه ضمان شامل خسارت معنوی نیز خواهد بود، هرچند ضرر که موضوع ضمان است با مفسده که شامل امور معنوی است مساوی محسوب نمی‌شود، چنان‌که می‌توان مفسده‌های بسیاری را نشان داد که اصلاً مستلزم ضرر نباشد (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۸).

لباس

واژه «لباس» به کسر لام در فارسی به معنی هرچه درپوشند، پوشیدنی (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۳، ص ۱۹۵۹۹)، آنچه که بر تن پوشند، جامه (معین، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۱۵۳۰) پوشاک و پوشش (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۳، ص ۱۹۵۹۹؛ معین، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۱۵۳۰) آمده است، این واژه در اصل عربی و از ماده (لبس) است و به معنی هر چیزی است که بدن را می‌پوشاند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۶۲). البته باید توجه داشت که مقصود از لباسی که در این تحقیق مورد بحث است، لباس به معنی امروزی است که اموری مثل دست‌بند، عینک، انگشتر و اموری از این قبیل را شامل نمی‌شود.

۲. جایگاه "قاعده لاضرر" بر ضمان و خریدوفروش

قبل از بررسی دخالت قاعده «لاضرر» در احکام شرعی مربوط به موضوع این تحقیق، شایسته است دیدگاه‌های فقها در مورد این قاعده مورد بررسی قرار گیرد، تا معلوم شود که طبق کدام یک از دیدگاه‌های موجود در مورد این قاعده، امکان ارتباط آن با موضوع محل بحث وجود دارد، چنان‌که طبق برخی از این دیدگاه‌ها این قاعده ربطی به بحث ما نخواهد داشت:

الف) نهی از ایجاد ضرر

شیخ الشریعة اصفهانی (اصفهانی نمازی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹) برخلاف دیدگاه شیخ اعظم و محقق آخوند رحمهما الله که خواهد آمد، «لا» در عبارت «لاضرر» را لای ناهیه می‌داند در نتیجه مفاد روایت «لاضرر» نهی از ضرر زدن به دیگران یا حتی ضرر به خویش خواهد بود چنان‌که فراز: «لا رفق ولا فسوق ولا جدال فی الحجج؛ در حج، آمیزش

جنسی با زنان، گناه و جدال نیست!» (بقره: ۱۹۷)، به معنی حرمت آمیزش، گناه و جدال است (فاضل، ۱۳۹۶ش، ص ۲۵۳).

ب) فقط ضرر تدارک نشده

فاضل تونی رحمته الله علیه مقصود از «لاضرر» را نفی ضرر جبران نشده می‌داند به این معنی که شارع به موجب این روایت، تدارک ضرر را لازم کرده است (تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۴). طبق این دیدگاه نیز، مانند دیدگاه گذشته، «لاضرر» بر ادله اولیه حکومت نخواهد داشت (فاضل، ۱۳۹۶ش، ص ۲۵۴).

ج) نهی حکومتی

از نگاه مرحوم امام خمینی رحمته الله علیه (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۳۲-۵۳۳) و مرحوم آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله علیه (فاضل، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۷۶) «لا» ناهیه است؛ ولی نه به‌عنوان نهی شرعی الهی، چنان‌که نهی از غضب و کذب چنین است؛ بلکه نهی‌ای از باب ولایت که از شئون ولایت و حاکمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ به این صورت که ایشان به جهت رهبر بودن به مرد انصاری دستور دادند که نخل سمره را از بیخ بکند و جمله «لاضرر ولا ضرار» را هم از همین روی فرمودند، پس این جمله، چنان‌که در کتاب «ضمان انخفاض قیمة النقد» (فاضل، ۱۳۹۶ش، ص ۲۵۶) آوردیم از اساس نگاهی به دلیل‌های اولی (ادله اولیه) ندارد و بر آن مقدم نیست (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۴۲).

د) نفی حکم شرعی ضرری

شیخ انصاری رحمته الله علیه (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۳۴-۵۳۵)، چنان‌که مشهور نیز بدان معتقد است (فاضل، ۱۳۹۶ق، ص ۲۵۷) و محقق خویی رحمته الله علیه (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۰۷) نیز آن را پذیرفته است، لا را نفی‌کننده حکم شرعی ضرری (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۶) می‌داند؛ به این معنا که خداوند متعال از اساس حکم ضرری‌ای قرار نداده است. در نتیجه شارع حکم‌های ضرردار را به موجب این روایت، رفع می‌کند؛ چه تعبدی، چه توصلی. علامه حلی (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۸)، ابن زهره رحمته الله علیه (حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۴) همین تقریب را در استدلال به «لاضرر» بر خیار غبن آورده‌اند.

این امر چنان‌که شهید صدر آورده (صدر، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۵۳۸-۵۳۹) به یکی از این

سه‌گونه به دست می‌آید: مجاز در حذف: یعنی «لاضرر» صفت کلمه حکم محذوف باشد. مجاز در کلمه: یعنی استعمال مجازی اسم مسبب که ضرر باشد در سبب که حکم باشد، به علاقه سببیت و آخرین مورد که محقق نائینی رحمته الله (نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۲، ص ۵۹) بدان اشاره کرده است: حقیقت ادعایی یعنی ادعای نفی تحقق ضرر به وسیله شارع (فاضل، ۱۳۹۶ش، ص ۲۶۰).

ه) نفی حکم به کمک نفی موضوع

محقق آخوند رحمته الله (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۱) در جایی که موضوعی ضرر داشته باشد؛ معنی «لاضرر» را نفی حکم به زبان نفی موضوع می‌داند؛ چراکه «لا» نفی جنس، کنایه از نفی آثار است، چنان‌که در روایت امام علی رضی الله عنه «ولا رجال؛ مرد نیستید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶)، نفی مرد، کنایه از نفی آثار مردانگی مثل شجاعت و غیرت است، فایده تعبیری این چنین مبالغه در نفی آثار و احکام است.

به نظر امام خمینی رحمته الله، این دیدگاه به جهت حکومتش بر ادله اولیه، به دیدگاه شیخ اعظم برمی‌گردد (خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۰۲) هرچند خود محقق آخوند معتقد است، دیدگاهش با نگاه شیخ انصاری در «لاضرر» متفاوت است. (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۱؛ فاضل، ۱۳۹۶ش، ص ۲۶۱-۲۶۲) به هر حال، این قاعده، تنها طبق این دو دیدگاه اخیر به محل بحث مربوط است.

دلالت «لاضرر» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۱) در موضوع این بحث یعنی ضمان و جبران خسارت‌هایی که آن جنس یا آن شکل از لباس به دنبال می‌آورد از یک سو و از سوی دیگر، حکم شرعی تجارت، کسب و کار و یا دریافت اجرت کارگران از این جنس یا این شکل از قماش در دو مرحله قابل بررسی است، مرحله اول: اثبات ضمان در خرید و فروش پیش‌گفته و مرحله دوم، حکم شرعی تجارت و کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه.

مرحله اول یعنی اثبات ضمان در خسارات حاصل از جنس پارچه یا طرح لباس به این صورت است که در صورت حکم نکردن به ضمان توسط شارع مقدس، خریدار دچار ضرری می‌شود که شارع مقدس بدان راضی نیست، اما در اینکه قاعده «لاضرر» افزون بر نفی حکم چنان‌که «لا» در این قاعده برای نفی جنس است،

قابلیت اثبات حکم را نیز داشته باشد، دو دیدگاه بین علما وجود دارد:

۱. امکان نداشتن اثبات حکم شرعی: باید توجه داشت که دو مسلک در بین اصولیان به این نتیجه، یعنی امکان نداشتن اثبات حکم شرعی توسط لاضرر می‌انجامد:

مسلک اول: به‌طور کلی عبارت «لاضرر ولا ضرار فی الاسلام» در تراز یک قاعده فقهی نیست؛ بلکه تنها به حرمت اضرار اشاره دارد؛ در این صورت عبارت پیش‌گفته، چنان‌که شیخ الشریعة اصفهانی بدان معتقد است (اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶) تنها در صدد حرام و ممنوع اعلام کردن ضرر زدن است.

مسلک دوم: عبارت «لاضرر ولا ضرار» یک قاعده فقهی است؛ ولی تنها مواردی از احکام را که موجب ضرر شود، نفی می‌کند؛ نه اینکه بتواند در جایی که نبود حکمی شرعی موجب ضرر شود - برای جلوگیری از ضرر - آن حکم مورد نیاز را جعل کند تا ضرر متوجه کسی نشود، فقهای چون: فاضل تونی (تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۴)، نائینی (نائینی، ۱۳۵۲ش، ج ۲، ص ۳۴۲) و خوبی (خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۴۹) بدان معتقدند.

۲. امکان اثبات حکم شرعی: برخی دیگر از فقها مانند علامه حلی (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۶۸)، سیدزیدی (یزدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۵) و سیستانی (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۱)، امکان اثبات حکم شرعی با قاعده لاضرر را در نتیجه حکومت آن بر احکام عدمی می‌پذیرند، به نظر نگارنده نیز قاعده لاضرر قابلیت جعل حکم شرعی را دارد (عابدین پور؛ قاسمی، ۱۴۰۱ش، ص ۱۵۴) زیرا در مورد قاعده لاضرر فرق نمی‌کند که ضرر به جهت جعل حکمی شرعی از جانب شارع متوجه مکلف شود یا اینکه توجه ضرر به جهت جعل نشدن حکم شرعی توسط شارع مقدس باشد (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۱-۲۹۲).

در مورد خریداری که حکم نکردن به ضمان، موجب ضرر به او باشد، با توجه به اینکه اگر فروشنده به براءت اصلی بسنده کند و خسارت خریدار را تدارک نکند، این حکم اصلی سبب ایراد ضرر به بیمار می‌شود و از سویی نیز نبود حکم به ضمان، موجب ضرر به خریدار خواهد بود که در این صورت قاعده لاضرر، براءت

اصلی را لغو می‌کند و ضمان فروشنده را اثبات می‌کند؛ وانگهی برخی از محققان معاصر حتی با اعتقاد به تنها نافی بودن «لاضرر»، در صورت توقف نفی ضرر بر اثبات حکم، با اثبات حکم توسط شارع برای نفی ضرر موافق‌اند، مثل اثبات ضمان بر غاصبی که مال مغضوب را تلف کرد یا در دستش تلف شد (سبحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۴).

گذشته از استدلال‌های گذشته بر اثبات حکم به وسیله قاعده لاضرر یا به موجب آن، می‌توان به‌عنوان مؤید به روایتی از کتاب شریف دعائم الاسلام نیز استناد کرد؛ چراکه امام صادق علیه السلام در مورد کسی که دیوار خانه خود را - بدون هیچ ضرورت و نیازی - تنها برای ضرر زدن به همسایه خراب کند، به وجوب برپاکردن دوباره دیوار خانه حکم کرد و در این زمینه به این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد فرمودند: «لاضرر و لا اضرار» (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۰۴).

اما مرحله دوم از بحث یعنی حکم شرعی تجارت و کسب و کار و یا دریافت اجرت کارگران از تولید این جنس از پارچه یا این طرح از لباس، باید گفت که برخی از فقها (سبزواری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵۶) اخبار «لاضرر» را مختص به ضررهای قابل توجه دفعی می‌دانند.

نتیجه اختصاص «لاضرر» به ضررهای قابل توجه دفعی، در خصوص موضوع این تحقیق آن است که قاعده «لاضرر»، بر اساس مطلب یادشده، فقط شامل جایی می‌شود که جنسی خاص از پارچه یا طرحی خاص از لباس ضرری فاحش و به‌طور واضح‌تر ضرر قابل توجه دفعی (عابدین‌پور و قاسمی، ۱۴۰۱ش، ص ۲۱۱) را به‌طور قطعی بر استفاده‌کنندگان از آن وارد کند؛ در غیر این صورت قاعده لاضرر، تولید پارچه‌هایی که به‌طور قطعی و عمومی موجب ضرر فاحش نیست و نیز لباس‌هایی که طرح آن، به‌صورت پیش‌گفته نیست، شامل نمی‌شود. در نتیجه تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه مانعی نخواهد داشت، هرچند این امر از تعلق ضمان در صورت بروز خسارت به خاطر جنس پارچه یا طرح لباس در موردی خاص، در صورتی که خواهد آمد یعنی «قوی‌تر بودن سبب از مباشر» مانع نخواهد شد.

۳. جایگاه "قاعده اتلاف" بر ضمان و خرید و فروش

قاعده اتلاف، قاعده‌ای مشهور در فقه است که فقیهان در مورد ضمان به آن تمسک جسته‌اند، معنای قاعده این است که هرکس، مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند و یا مورد بهره‌برداری قرار دهد، ضامن صاحب مال است. این قاعده از ضروریات فقه است و آیاتی چون «آیه اعتدا» (بقره: ۱۹۴) و «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (کیفر بدی، مجازاتی همانند آن است) (شوری: ۴۰) بر آن دلالت دارد.

همچنین روایاتی چون «حرمة مال المسلم كحرمة دمه: حرمت مال مسلمانان مانند حرمت خون اوست» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۷۳)، «علی الید ما اخذت حتی تؤدی: هر شخصی ضامن آن چیزی است که می‌گیرد تا زمانی که آن را به صاحبش باز پس دهد» (حلی، ۱۹۸۲م، ۴۵۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۸)، «المغصوب کله مردود: آنچه غصب شده است باید به طور کامل برگردانده شود» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳۰) و دیگر روایات (حلی، ۱۹۸۲م، ص ۵۰۵؛ ابن‌ابی‌جمهور، ص ۱۴۰۵ق، ص ۴۷۳ و ۱۱۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۳۱)، بر این قاعده دلالت می‌کند.

تلف در این قاعده به معنی هلاکت و نابودی است که گاهی به ذات مال تعلق می‌گیرد و گاهی به مالیت آن. ولی اتلاف تنها ذات مال را شامل می‌شود هرچند برخی از ادله قاعده اتلاف مثل آیه اعتدا (بقره: ۱۹۴)، ضمان مالیت را نیز اثبات می‌کند (بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۲۹). مال گاهی به صورت مستقل است، مانند کلیه اجسامی که برای رفع مایحتاج از آن استفاده می‌شود و گاهی به صورت نامستقل است، مانند اجرت نقل که در اصطلاح فقها «منافع» نام دارد (همان).

از آنجاکه عرف مرجع تفسیر مفردات، واژه‌های متخذ در ادله و اسناد شرعی، مجموعه جمله و هیئت‌های ترکیبی است (علیدوست، ۱۳۸۸ش، ص ۲۱۴) آنچه به صورت عرفی از «ضمانت» در این قاعده فهمیده می‌شود این است که آنچه تلف شده به صورت وجود اعتباری‌اش بر عهده کسی است که آن را تلف کرده است و این همان ضمانت است. بنابراین اگر شخصی مال دیگری را بدون اجازه از بین ببرد آن مال به صورت اعتباری بر عهده‌اش خواهد بود و اگر در اختیارش نبود باید با دادن مثل در مثلیات و قیمت در قیمیات جبران شود (همان، ص ۳۱).

یکی از دلیل‌های فقهی، برای ضامن بودن تولیدکنندگان یا طراحان پارچه یا لباس‌هایی که باعث ایراد خسارات به مصرف‌کنندگان می‌شوند آن است که عموم قاعده «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۴) که در میان فقها با همین عبارت مشهور است، شامل محل بحث ما نیز می‌شود.

تقریب استدلال به این قاعده بر ضامن تولیدکنندگان و طراحان پارچه و لباس، آن است که اتلافی که در متن روایت مربوط به این قاعده آمده، افزون بر نابودشدن عین، شامل ازبین‌رفتن صفت شیء نیز می‌شود؛ با این تقریب این قاعده در خسارات وارد به بیماران در عرصه پزشکی (عابدین پور، ۱۳۹۷ش، ص ۱۷۵) نیز قابل‌استناد خواهد بود، بدین ترتیب اگر به خاطر جنس پارچه یا شکل لباس، صفت سلامت در قسمتی از بدن خریدار از بین برود، این قاعده شامل آن خواهد شد.

افزون بر این در مورد قاعده اتلاف هرچند به واژه «مال» تصریح شده است؛ ولی فرقی بین مال و جسم در شمول قاعده وجود ندارد؛ یعنی این قاعده همان‌گونه که بر تعلق ضمان به مال در صورت اتلاف آن دلالت می‌کند؛ به همین ترتیب بر تعلق ضمان به جسم در فرض مذکور دلالت می‌کند؛ چنان‌که یکی از دلیل‌های اثبات این قاعده، این روایت است که «حرمت مال مسلمان، مانند حرمت خون اوست» (کلینی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۶۰).

بدین ترتیب آنچه باعث مضمون بودن مال در این قاعده است، به‌طور واضح‌تر و محکم‌تر موجب تعلق ضمان به جسم در صورت اتلاف آن می‌شود. همچنین فقها تصریح کرده‌اند که این قاعده منافع را نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۹۴؛ بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۰) و قوای جسمانی نیز از جمله منافع است و در صورت ازبین‌بردن آن توسط دیگری، قاعده اتلاف شامل آن خواهد شد و ضمان را در مورد آن اثبات خواهد کرد.

این قاعده تنها نظر به حکم وضعی یعنی ضمان خسارت وارد بر اثر جنس پارچه یا طرح لباس دارد و در مورد حکم شرعی تجارت، کسب‌وکار یا دریافت اجرت کارگران که از قبیل حکم تکلیفی است ساکت است.

۴. جایگاه "قاعده سبب و مباشر" در ضمان و خرید و فروش

هرچند بحث «سبب و مباشر» ذیل قاعده «اتلاف» مطرح می‌شود؛ ولی برخی از فقها (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۶۰) «اقوی بودن سبب از مباشر» را قاعده‌ای مستقل قلمداد کرده‌اند و باتوجه به نقشی که در موضوع این تحقیق ایفا می‌کند، این بحث را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. این دو واژه در کلام محقق حلی آمده است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۶) اما علامه در «قواعد الأحکام» این دو واژه را در ضمن بیان اولین رکن از ارکان «ضمان» یعنی «موجب: به وجودآورنده» این‌گونه تعریف می‌کند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۱):

«مباشر بودن» به معنی ایجاد علت تلف مثل: قتل، خوردن یا سوزاندن و «سبب بودن» به معنی ایجاد چیزی است که تلف به‌خاطر آن، ولی با علتی دیگر حادث شود؛ به شرطی که تأثیر علت با تحقق آن سبب، مورد توقع باشد، مثل کسی که چاهی را در مسیر عبور دیگران می‌کند (همان). شهید اول «مباشر» را کسی می‌داند که اتلاف مستقیم به او نسبت داده می‌شود ولی «سبب» را کسی می‌داند که اتلاف به او نسبت داده نمی‌شود؛ ولی این جایگاه را دارد که با تحقق آن، اتلاف محقق شود. (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۶۳) البته باید توجه داشت که معنای «سبب» در این بحث، غیر از معنی معروف سبب در فلسفه و اصول فقه است؛ بلکه معنایی شبیه مقدمه و شرط در آن دو علم دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۰۷).

در نتیجه، برای تشخیص سبب از مباشر باید گفت: «سبب» عاملی است که از وجودش وجود تلف یا خسارت لازم نیاید؛ اما از عدم و نیستی آن چیزی، عدم و نیستی تلف یا خسارت لازم آید (بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۴۰۴)، در مقابل «مباشر» که علت است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۰۷) اعم از علت تامه یا جزء اخیر علت تامه است که وجودش موجب تحقق تلف یا خسارت خواهد بود، بدین ترتیب اگر شخصی چاهی را در مسیر رفت و آمد مردم بکند و چیزی در آن چاه بیفتد و از بین برود، او سبب تلف و از بین رفتن مال خواهد بود (بجنوردی، ۱۳۷۷ش،

ضامن بودن «سبب» چنان که از کلمات علامه (حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۷۴) و محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۶) برمی آید و صاحب جواهر هم در آن اختلافی نمی بیند؛ بلکه اجماع را هم در آن قابل احراز می شمارد؛ (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۴۶) در صورتی است که مباشری در ایجاد خسارت در کار نباشد. در این زمینه می توان به روایاتی چون صحیح حلبی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۲۴)، صحیح ابی الصباح کنانی (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۵۰)، صحیح زراره (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۳۰)، صحیح سماعة (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۵۳) و موثق سکونی (کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۵۰) استناد کرد.

اگر «سبب» و «مباشر» با هم در کار باشند، چنان که محقق (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۶) و علامه حلی (حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۷۴) آورده اند، مباشر ضامن خواهد بود، مگر اینکه مباشر ضعیف تر از سبب باشد مثل اینکه کسی با اکراه کردن دیگری سبب شود اکراه شونده مال دیگری را تلف کند (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۶؛ حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۷۴).

قاعده مربوط به سبب و مباشر نیز مانند قاعده اتلاف، تنها به حکم وضعی یعنی ضمان خسارت حاصل از جنس پارچه یا طرح لباس نظر دارد و به حکم تکلیفی مربوط به تجارت، کسب و کار یا دریافت اجرت کارگران از این راه نگاهی ندارد، در خصوص حکم وضعی در محل بحث در این تحقیق، یعنی در جایی که جنس لباس که توسط تولیدکننده ای خاص ساخته شده است موجب بروز خسارت در بدن و سلامت شخص شود و یا اینکه طرح و شکل خاص یک لباس که توسط شخص خاصی طراحی شده است باعث خسارت پیش گفته شده باشد، مباشر در بروز خسارت، خود خریداری است که آن پارچه یا لباس با طرح پیش گفته را می پوشد.

وجه مباشر بودن وی آن چنان که محقق بجنوردی آورده است (بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۱) به این خاطر است که از بین رفتن سلامت با پوشیدن آن جنس یا آن طرح خاص از لباس، به وسیله خودش بدون تأثیر فاعلی ارادی یا بی اراده دیگر انجام می شود.

تولیدکننده یا طراح که جنس پارچه یا شکل خاص لباس موجب ضرر بر خریدار شده است؛ سبب بروز خسارت در محل بحث محسوب می‌شود؛ زیرا چنان‌که در کتاب القواعد الفقهیه (همان) آمده است از تولید این جنس پارچه یا این طرح از لباس برای بدن ضرر دارد، به‌تنهایی خسارتی به بدن خریدار وارد نمی‌شود، بلکه نبودن آن مستلزم نبودن خسارت و ضرر برای خریدار و استفاده‌کننده از آن جنس پارچه و یا آن طرح خاص از لباس است.

در موضوع مربوط به این تحقیق، «مباشر» و «سبب» با هم در پدیدآمدن خسارت، مؤثر هستند، چراکه از شخص خسارت‌دیده با پوشیدن لباسی که شکل و طرح آن موجب ضرر است، بدون دخالت هیچ فاعل ارادی یا بی‌اراده (همان) باعث بروز خسارت شده است و جنس پارچه و طرح لباس هم به‌خودی‌خود موجب بروز خسارت نیست؛ بلکه تنها تولیدنشدن یا دوخته نشدن لباس طبق آن، به پدیدنیامدن خسارت می‌انجامد (همان).

این موضوع از قبیل مواردی است که مباشر ضعیف‌تر از سبب است، چراکه ظاهر حال با توجه به اینکه این کالا از بازار به شکل قانونی خریده شده است آن است که این جنس یا این طرح موجب ضرر نیست، چنان‌که به‌تصریح علامه حلی (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۰) در لباس چرمی که از بازار مسلمانان خریده شده باشد، نمازخواندن صحیح است و نیازی به دوباره به‌جا آوردن نیست، چراکه دلیل آن نیز ظاهر حال مسلمانان است که به احکام و ضوابط اسلام به‌طور صحیح عمل می‌کنند (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۲۸).

وجود این ظاهر حال، باعث می‌شود که خریدار و استفاده‌کننده از این جنس از پارچه یا این طرح از لباس که مستلزم ضرر به جسم و جاننش است از لحاظ «مباشر» بودن در ایجاد ضرر و خسارت، ضعیف‌تر از «سبب» آن ضرر، یعنی تولیدکننده آن جنس پارچه یا طراح آن شکل از لباس باشد و در این صورت، چنان‌که محقق و علامه حلی بدان اشاره کرده‌اند (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۶؛ حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۷۴)، «سبب» یعنی تولیدکننده آن جنس از پارچه یا طراح آن شکل از لباس، ضامن خواهد بود.

۵. جایگاه "قاعده تسبیب" در ضمان و خرید و فروش

این قاعده با همین نام یعنی «قاعده التاسبیب» در کلام میرزای قمی (گیلانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۹۸۷)، میرزا حبیب‌الله رشتی (رشتی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۹)، سید یزدی (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۳)، نائینی (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۲) و حتی امام خمینی (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۶۴) آمده است؛ ولی واقعیت این است که مفاد این قاعده، چنان‌که در برخی کتب قواعد فقهیه (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۶۰) آمده است، چیزی غیر از «اقوی بودن سبب از مباشر» نیست که جزء قاعده اتلاف است و در کلام برخی فقها (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۲) تصریح شده که این قاعده، قاعده مستقلی نیست؛ چنان‌که از مدارکی که امام خمینی (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۶۴) برای این قاعده بیان می‌کند نیز همین فهمیده می‌شود.

طبق قاعده تسبیب (گیلانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۹۸۷؛ رشتی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۹؛ یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۳؛ نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۲؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۶۴) نیز که مفاد آن چنان‌که گذشت همان «اقوی بودن سبب از مباشر» است (ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۶۰) و برخی فقها (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۲) نیز به مستقل نبودن آن تصریح کرده‌اند، در موضوع این بحث «مباشر» و «سبب» با هم جمع شده‌اند.

جمع شدن «مباشر» و «سبب» در موضوع این تحقیق، چنان‌که در قسمت قبل گذشت، به این خاطر است که شخص خسارت‌دیده بدون دخالت هیچ فاعل ارادی یا بی‌اراده (بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۱) بلکه خود با پوشیدن لباسی که شکل و طرح آن موجب بروز خسارت است باعث تحقق ضرر شده است. در نتیجه «مباشر» در ایراد خسارت است. از طرفی، جنس پارچه و طرح لباس هم به خودی خود موجب بروز خسارت نیست؛ بلکه تنها تولیدنشدن یا دوخته نشدن لباس طبق آن، به پدیدنیامدن خسارت می‌انجامد (همان) و باید آن را «سبب» بروز ضرر دانست.

علاوه بر این، همان‌طور که در قسمت قبل گفتیم؛ «سبب» از «مباشر» قوی‌تر است و طبق تصریح فقها (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۶؛ حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۳۷۴)، «سبب» یعنی تولیدکننده آن جنس از پارچه یا طراح آن شکل از لباس، ضامن خواهد بود. اما در مورد حکم تکلیفی مربوط به این تحقیق یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه، این قاعده ساکت است.

۶. جایگاه "قاعده حرام بودن کمک در گناه و ظلم" در ضمان و خرید و فروش

قاعده حرام بودن کمک به گناه و ظلم که در کتب فقهی با نام «اعانة على الإثم و العدوان» از آن یاد می‌شود، چنان‌که که محقق بجنوردی (بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، صص ۳۵۷-۳۵۹) آورده، از جمله قاعده‌های فقهی مشهوری است که فقها (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۳؛ آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۸؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳؛ حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۷۰؛ ابن فهد، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۹) در مقام افتاء در برخی از فرعی‌های فقهی بدان تمسک و آن را بر مسائل فرعی تطبیق کرده‌اند.

این قاعده فقهی در کتاب‌های قواعد فقهی مختلف (فاضل، ۱۴۱۶ق، ص ۴۴۳؛ طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲؛ سیفی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۲۵؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۷۱) ذکر شده است و دلیل‌های چهارگانه کتاب (مأئده: ۲)، سنت (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۷۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۳۷۶)، عقل (فاضل، ۱۴۱۶ق، ص ۴۴۹؛ بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۶۴)، و اجماع (فاضل، ۱۴۱۶ق، ص ۴۵۰؛ بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۳۶۵) بر آن دلالت دارد.

این قاعده برخلاف قواعد گذشته یعنی «اتلاف»، «سبب و مباشر» و «تسبیب»، تنها به حکم تکلیفی مربوط به این تحقیق یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه نظر دارد و در مورد ضمان خسارتی که از این راه به مصرف‌کننده، وارد می‌شود، ساکت است.

در جایی که تولید جنس خاصی از پارچه که ضرر فاحش دارد و یا دوخت طرحی از لباس که این چنین است و کار یک مسئول یا کارگر به قصد رسیدن به چنین نتیجه‌ای باشد حکم به حرمت عمل می‌کند، چنان‌که شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۲۹) در جایی که فروش انگور برای ساخته شدن شراب و فروش چوب برای ساخته شدن صلیب و بت باشد، با تمسک به این قاعده، حکم حرمت کرد و این حکم را هم بی‌مخالفت دانست.

اما اگر اشتغال مسئولان کارخانه و شرکت و کارگران به این قصد نباشد و به اموری مشغول باشند که به خودی خود موجب ضرر نیست، این قاعده بر حرمت اشتغال ایشان دلالت ندارد، چنان‌که این قاعده به تصریح شیخ اعظم به حکم اکثر فقها

(همان) در صورت فروش انگور به کسی که شراب می‌سازد یا فروش چوب به کسی که صلیب و بت می‌سازد بدون اینکه فروش به قصد ساخته شدن شراب، صلیب یا بت باشد، بر حرام بودن دلالت ندارد.

برای حرام نبودن در این فرض می‌توان به روایت صحیح ابن اذینه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۳۱)، صحیح رفاعه (طوسی، ۱۳۹۰ش، ج ۳، ص ۱۰۵) تمسک کرد و روایاتی که بر منع دلالت دارند مثل مکاتبه صحیح ابن اذینه (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۷۳) و خبر صحیح عمرو بن حریث صیرفی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۲۷) را حمل بر کراهت می‌کنیم، چنان‌که در برخی روایات چون صحیح حلبی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۳۷) بدان تصریح شده است.

۷. دیدگاه نگارنده در ضمان و خرید و فروش

چنان‌که گذشت در بررسی ضمان خسارت حاصل از جنس پارچه یا طرح لباس و نیز حکم شرعی تجارت، کسب و کار و اجرت کارگران از این راه، به قواعدی چون «لاضرر»، «اتلاف»، «سبب و مباشر»، «تسبیب» و «حرام بودن کمک در گناه و ظلم» که می‌توان این قواعد را از نظر دلالت به سه دسته تقسیم کرد: یکی قاعده‌ای که هم بر حکم وضعی یعنی ضمان خسارت و هم بر حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه دلالت دارد که از این قبیل تنها به یک قاعده یعنی «لاضرر» می‌توان اشاره کرد.

دسته دیگر قواعدی هستند که تنها بر حکم وضعی یعنی ضمان خسارت حاصل از جنس پارچه یا طرح لباس در بدن مصرف‌کننده دلالت دارد که از این قبیل می‌توان به قواعدی چون: «اتلاف»، «سبب و مباشر» و «تسبیب» اشاره کرد و دسته آخر قاعده‌ای که تنها بر حکم تکلیفی مربوط به موضوع این تحقیق یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه دلالت دارد که از این قبیل مانند دسته اول تنها به یک قاعده می‌توان اشاره کرد؛ یعنی قاعده «حرام بودن کمک به گناه و ظلم».

از دیدگاه نگارنده، در خصوص حکم وضعی یعنی ضمان خسارت وارد بر

مصرف کننده در اثر جنس پارچه و طرح لباس، قواعد دسته اول و دوم یعنی «لاضرر»، «اتلاف»، «سبب و مباشر» و «تسبیب» با توضیحی که در بررسی جایگاه این قواعد گذشت بر ضمان خسارت پیش گفته دلالت دارد به این صورت که با اثبات استناد خسارت به جنس پارچه یا طرح لباس و نیز قوی تر بودن سبب از مباشر، جبران خسارت به گردن تولیدکننده پارچه و طراح لباس است.

در خصوص حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه قاعده «لاضرر» و قاعده «حرام بودن کمک در گناه و ظلم» با توضیحی که در بررسی جایگاه این دو قاعده گذشت حکم تکلیفی موضوع این تحقیق را مشخص می کند به این صورت که اگر تولید پارچه یا طراحی لباس و نیز اشتغال مسئولان و کارگران به قصد ایراد ضرر به مصرف کنندگان باشد تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از نگاه شرع حرام خواهد بود و اگر چنین قصدی در کار نباشد و اشتغال مسئولان و کارگران به کاری باشد که به خودی خود موجب ضرر نیست، تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه از نگاه شرع اشکالی ندارد.

نتیجه گیری

با ثابت شدن استناد ضرر به جنس پارچه یا طرح لباس و قوی تر بودن سبب از مباشر، تولیدکننده و طراح لباس ضامن اند و با قصد اضرار فاحش تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت از این راه حرام است مگر اینکه قصد اضرار وجود نداشته باشد و فعالیت مسئولان و کارگران به خودی خود موجب ضرر فاحش به دیگران نباشد.

قواعد مرتبط با بحث، قابل تقسیم به سه دسته است، یکی قاعده ای که هر دو حکم وضعی و تکلیفی را اثبات می کند یعنی «لاضرر»، دیگری قواعدی که فقط حکم وضعی را بررسی می کند یعنی «اتلاف»، «سبب و مباشر» و «تسبیب» و در آخر قاعده ای که تنها حکم تکلیفی یعنی حکم شرعی تجارت، کسب و کار و دریافت اجرت کارگران از این راه را اثبات می کند قاعده «حرام بودن کمک به گناه و ظلم» است که با قصد خسارت زدن به مصرف کننده حکم به حرمت می کند.

یکی از اموری که به کامل‌تر شدن بررسی ضمان در این بحث کمک می‌کند؛ بررسی مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات حاصل از جنس پارچه یا طرح لباس از دیدگاه علم حقوق از یک‌سو و از سوی دیگر توجه به حالت واردنشدن خسارت باوجود مضر بودن جنس پارچه یا طرح لباس، از لحاظ ثابت‌بودن خیار برای خریدار به معنی ازبین‌رفتن لزوم معامله است که نگارنده به جهت مجال اندک بحث در یک مقاله، از پرداختن به آن بازماند.

منابع

کتاب

- قرآن کریم

۱. ابن ابي جمهور، محمد بن زين الدين، ۱۴۰۵ق، عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، قم: انتشارات سيدالشهداء.
۲. احمد بن فارس بن زكريا، ۱۴۰۴ق، معجم مقائيس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم.
۳. اصفهانی نمازی شيخ الشريعة، فتح الله بن محمدجواد، ۱۴۱۰ق، قاعدة لاضرر، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۴. انصاری دزفولي، مرتضى بن محمدامين، ۱۴۱۴ق، رسائل فقهية، قم: كنگره جهاني بزرگداشت شيخ اعظم انصاری.
۵. انصاری دزفولي، مرتضى بن محمدامين، ۱۴۱۶ق، فرائد الأصول، قم: مؤسسه نشر اسلامي.
۶. انصاری دزفولي، مرتضى بن محمدامين، ۱۴۱۵ق، كتاب المكاسب، قم: كنگره جهاني بزرگداشت شيخ اعظم انصاری.
۷. ايرواني، باقر، ۱۴۲۶ق، دروس تمهيدية في القواعد الفقهية، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
۸. آبي يوسفی، فاضل، ۱۴۱۷ق، حسن بن ابی طالب، كشف الرموز في شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۹. بجنوردی موسوی، سيد حسن، ۱۳۷۷ش، القواعد الفقهية، قم: نشر الهادي.
۱۰. _____، _____، ۱۴۰۱ق، قواعد فقهيه، تهران: مؤسسه عروج.
۱۱. جوهری، اسماعيل بن حماد، ۱۴۱۰ق، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، بيروت: دار العلم للملايين.
۱۲. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشيعه، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۱۳. حلبی حسینی، حمزة بن علی، ابن زهره، ۱۴۱۷ق، غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۱۴. حلی اسدی، ابن فهد، جمال الدين، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ق، المهذب البارع في شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۱۵. حلی اسدی، حسن بن يوسف، ۱۴۲۰ق، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۱۶. _____، _____، ۱۴۱۴ق، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۷. _____، _____، ۱۳۸۸ق، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۸. _____، _____، ۱۴۱۳ق، قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامي.

١٩. _____، _____، ١٤١٩ق، نهاية الأحكام في معرفة الأحكام، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٢٠. _____، _____، ١٩٨٢م، نهج الحقّ وكشف الصدق، بيروت: دارالكتاب اللبناني.
٢١. حلى، نجم الدين، جعفر بن حسن، ١٤٠٨ق، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعيليان.
٢٢. _____، _____، ١٤١٨ق، المختصر النافع في فقه الإمامية، قم: مؤسسة المطبوعات الدينية.
٢٣. _____، _____، ١٤٠٧ق، المعتبر في شرح المختصر، قم: مؤسسه سيدالشهداء عليه السلام.
٢٤. خراسانى، محمد كاظم بن حسين، ١٤٠٩ق، كفاية الأصول، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٢٥. خمينى، سيد روح الله، ١٤٢٣ق، تهذيب الأصول، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام.
٢٦. _____، _____، ١٤٢١ق، كتاب البيع، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام.
٢٧. خويى، ابوالقاسم، ١٤٢٢ق، مصباح الأصول، قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخوئي.
٢٨. دهخدا، على اكبر، لغت نامه دهخدا، ١٣٧٧ش، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
٢٩. رشتى گيلانى نجفى، ميرزا حبيب الله، ١٤٠٧ق، فقه الإمامية، قسم الخيارات، قم: كتاب فروشى داورى.
٣٠. سبحاني تبريزى، جعفر، ١٤١٤ق، المختار في أحكام الخيار، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٣١. سبزوارى، محمد باقر بن محمد مؤمن، ١٤٢٣ق، كفاية الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٣٢. سعدى ابو جيب، ١٤٠٨ق، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دمشق: دارالفكر.
٣٣. سيستانى، سيد على، ١٤١٤ق، قاعده لا ضرر ولا ضرار، قم: دفتر آيت الله العظمى سيستانى.
٣٤. سيفى مازندراني، على اكبر، ١٤٢٥ق، مباني الفقه الفعال في القواعد الفقهيّة الأساسية، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٣٥. صدر، سيد محمد باقر، ١٤٠٨ق، القواعد الفقهيّة (مباحث الأصول)، قم: دفتر جناب مقرر.
٣٦. صدوق، ابن بابويه، محمد بن على، ١٤٠٦ق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشريف الرضى للنشر.
٣٧. صدوق، ابن بابويه، محمد بن على، ١٤٠٣ق، معاني الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٣٨. _____، _____، ١٤١٣ق، كتاب من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٣٩. طباطبايى قمى، سيد تقى، ١٤٢٣ق، الأنوار البهية في القواعد الفقهيّة، قم: انتشارات محلاتى.
٤٠. طوسى، محمد بن الحسن، ١٣٩٠ق، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دارالكتب الإسلامية.

۴۱. _____، _____، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحكام، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۲. _____، _____، ۱۴۰۷ق، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. عابدین پور، احسان؛ قاسمی، محمدعلی، ۱۴۰۱ش، واکاوی نقش اذن در فقه پزشکی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۴. عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۴۵. علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۸ش، فقه و عرف، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۶. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۳۰ق، دراسات في الأصول، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام.
۴۷. _____، _____، ۱۴۱۶ق، القواعد الفقهية، قم: چاپخانه مهر.
۴۸. فاضل لنکرانی، محمدجواد، ۱۳۹۶ش، ضمان انخفاض قيمة النقد، احسان عابدین پور، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۵۰. فیومی مقری، احمد بن محمد، ۱۴۱۸ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۵۲. گیلانی قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، ۱۴۲۷ق، رسائل المیزان القمی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی؛ شعبه خراسان.
۵۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۶ق، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۵۴. محقق داماد یزدی، سید مصطفی، ۱۴۰۶ق، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۵. محمود عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، بی تا، قاهره: دارالفضیله.
۵۶. مشکینی، میرزا علی، ۱۳۷۷ش، مصطلحات الفقه، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۵۷. مغربی تمیمی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت.
۵۸. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ فارسی دکتر معین، تهران: انتشارات ادنا.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰ش، قاعده لاضرر، قم: نشر امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۰. _____، _____، ۱۴۱۱ق، القواعد الفقهية، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۶۱. نائینی، محمدحسین، ۱۳۵۲ش، أجود التقريرات، قم: مطبعة العرفان.
۶۲. _____، _____، ۱۴۱۳ق، المكاسب و البیع، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۳. _____، _____، ۱۳۷۳ق، منية الطالب في حاشية المكاسب، تهران: المكتبة المحمدية.
۶۴. نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۶۵. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۶۶. حسینی واسطی زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی، محب‌الدین، ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۶۷. یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۴ق، تکملة العروة الوثقی، قم: کتاب‌فروشی دآوری.
۶۸. _____، _____، ۱۴۲۱ق، حاشیة المکاسب، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

مقالات

۱. دهقان چناری، مجید و دیگران، (۱۴۰۰ش، پاییز)، ارکان مسئولیت مدنی خسارت وارد بر محیط زیست ناشی از محصولات بیوتکنولوژی، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۵، (۵۶)، ۸۵۶ - ۸۶۲.
- رحمانی منشادی، حمید، (۱۴۰۰ش، بهار) مطالعه تطبیقی نظام مسئولیت محض در جبران خسارت ناشی از بیوتکنولوژی کشاورزی، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۵، (۵۶)، ۵۷۵ - ۵۸۵.
۲. عابدین پور، احسان، (۱۳۹۷ش، بهار- تابستان)، واکاوی فقهی ضمان پزشک در برداشت اعضا، دو فصلنامه فقه و اجتهاد، ۵، (۹)، ۲۰۵ - ۱۷۱.
۳. محمدی، حمیدرضا؛ اسلامی، داوود، (۱۴۰۰ش، خرداد)، محصولات تراریخته، مسئولیت مدنی و ملاحظات در خصوص آن، نشست علمی همایش ملی معاونت پژوهشی پردیس فارابی دانشگاه تهران.
۴. وحیدی، محمد حامد، (۱۴۰۰ش، خرداد)، پذیرش مبنای مسئولیت مدنی محض در خسارات زیست محیطی ناشی از مهندسی ژنتیک یا زیست فناوری، نشست علمی همایش ملی معاونت پژوهشی پردیس فارابی دانشگاه تهران.